فهرست

[پیشگفتار 2](#_Toc89420932)

[رابطه سلامت جسم در تربیت دینی 3](#_Toc89420933)

[ساحت تربیت اعتقادی 3](#_Toc89420934)

[اهمیت و جایگاه تربیت اعتقادی 4](#_Toc89420935)

[ادله و وظایف 4](#_Toc89420936)

[خط سیر تربیت 5](#_Toc89420937)

[ویژگی الگوپذیری و همانند‌سازی 6](#_Toc89420938)

[جدول وظایف تمهیدی 7](#_Toc89420939)

[فرایند نمازخوان شدن متربی 9](#_Toc89420940)

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطیبین الطاهرین

# پیشگفتار

سؤالی را بین دو کلاس مطرح کردند و سؤال مهمی است سؤال این بود که چرا ما مدعی شدیم که همه ساحت‌ها در عرض هم هستند اما اینجا ادعا شد که تربیت جسمانی پایه هست برای ساحت‌های تربیتی دیگر؟

واقعیت ملموس و مشهود است ادعا نیست، ضرب‌المثل شده است که عقل سالم در بدن سالم است عاطفه سالم از جسم سالم است، تربیت جنسی سالم جسم سالم، و....

این شعاع تأثیر روی ساحت‌های تربیتی دیگر دارد و این قابل انکار نیست اینکه گفته شده است ساحت‌های تربیتی در عرض هم هستند مربوط به مقام استکشاف این ساحت‌های تربیتی هست. ما می‌خواهیم ببینیم چند ساحت برای تربیت هست از منطق استقراء پیش می‌رویم و ساحت‌ها را یک به یک شناسایی می‌کنیم و مدعی ساحت خاص تربیت بودن آن می‌شویم و بحث‌های مربوط به آن ارائه می‌شود.

معنایش این نیست که این‌ها ارتباط و ترتیب و توالی نسبت به همدیگر ندارند، ترتیب و توالی بین ساحت‌ها هست، تأثیر و تأثر هست، من فقد حساً فقد فقدَ علماً تأثیر ساحت جسمی را در ساحت عقلانی یا ساحت علمی ببینید

تعابیر خیلی روشن داریم که این ترتیب و توالی را تأکید می‌کند، بعد انسان جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء، اینجا روحانیت به معنای توفیق و کمال معنوی نیست ولی اثبات موضوع در کمال معنوی با این تعبیر ملاصدرا می‌شود که ما جسمی محقق می‌شویم ولی تحول و تطور ما به سمت روحانی شدن می‌رود و به سمت بریده شدن از این بعد جسمانی ما می‌رود.

منظور از هم‌عرض بودن، هم عرض بودن در مقام استکشاف است اما در مقام تحقق و پرداختن به این ساحت‌های تربیتی ما از بعد جسمی شروع می‌کنیم و سعی کردم ترتیب منطقی را به موازات ویژگی‌هایی که برای انسان در مراحل تحول و رشد برشمرده‌اند، جنین، حمل، نوزاد، خردسال، کودک، نوجوان و جوان، و ویژگی‌هایی برای هر مرحله بود در ابتدای گفته‌های من بیان شد، سعی کردم ساحت‌های تربیتی را متناسب با آن‌ها قدم‌به‌قدم جلو بیایم و برشی بسیار سریع و گذرا به وظایف خانواده در آن ساحت‌های تربیتی داشته باشیم.

عزیزان منتقل کرده بودند که بزرگوارانی که در جلسه و نشست‌ها حضور دارند یک مقدار راهکار‌های عملی می‌خواهند و چاره‌ای نبود که من یک مقدار آن بعد تحلیلی و استنباطی را کم‌رنگ بکنم و به آن استنباط‌ها و خروجی‌هایی که راهکار را مدنظر قرار می‌دهد بیشتر متمرکز باشم. اقدام‌ها را بدون استدلال‌های فقهی و برداشت‌های کلی صرفاً گزارش بکنم و بر همان اساس تحلیل بکنم و بحث را دنبال بکنم.

این سؤال که پرسیدید؛ تشکر می‌کنم، کمک کرد که من بحث‌های بعدی را جمع‌بندی کنم.

# رابطه سلامت جسم در تربیت دینی

اگر جسم با صحت و سلامت –چون من می‌خواهم وارد تربیت دینی بشوم در این ساعت دوم، اگر خاطرتان باشد در اهمیت جسمانی به دعای عافیت از صحیفه سجادیه از زبان امام سجاد علیه‌السلام اشاره کردم اتفاقاً امام سجاد علیه‌السلام از خدای متعال عافیت و صحت و سلامت جسم را می‌خواهند؛ تعابیر دقیقی هست که ترتیب و توالی و تأثیر و تأثر بین ساحت‌های تربیتی را ببینید یک واقعیت غیرقابل‌انکار هست –

امام سجاد علیه‌السلام در این دعا از خدا می‌خواهد که خدایا به من عافیت ده؛ «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ عَافِنِي عَافِيَةً كَافِيَةً شَافِيَةً عَالِيَةً نَامِيَةً، عَافِيَة»[[1]](#footnote-1) عافیت و صحت و سلامت با این ویژگی که «عَافِيَةً تُوَلِّدُ فِي بَدَنِي الْعَافِيَةَ، عَافِيَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَة» عافیتی که بدنم را سرحال و سالم نگه دارد «وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالصِّحَّةِ وَ الْأَمْنِ وَ السَّلَامَةِ فِي دِينِي وَ بَدَنِي» آن جلوه‌های عافیت، صحت جسم، امنیت مشخصاً در فرازهای بعدی می‌گوید خدایا عافیت را به من بده که با این عافیتی که به من ارزانی داشتی بتوانم در مسیر بندگی قدم بردارم، زیارت بروم به صله ارحام برسم.

مستقیماً امام سجاد علیه‌السلام بین عافیت جسمی و بدنی و توفیقات عبادی و تحقق اهداف تربیت عبادی و شاید اعتقادی، تعابیری داریم که «وَ امْنُنْ عَلَيَّ بِالصِّحَّةِ وَ الْأَمْنِ وَ السَّلَامَةِ فِي دِينِي وَ بَدَنِي، وَ الْبَصِيرَةِ فِي قَلْبِي، وَ النَّفَاذِ فِي أُمُورِي‏» بین اینها ارتباط هست که امام سجاد علیه‌السلام اینها را طلب می‌کند که خدایا عافیتی بده تا توفیق دین‌داری پیدا بکنم، توفیق عبادت و زیارت پیدا بکنم.

ساحت‌های تربیتی تمهیدی برای تربیت دینی را که اوج تعالی و تکامل انسان و متربی است در ساعت اول مرور خیلی سریع داشتیم

# ساحت تربیت اعتقادی

منظور تربیت اعتقادی فقط آموزش اعتقادات نیست و متأسفانه در نظام آموزش و پرورش این عملاً اتفاق می‌افتد و شاید در حوزه‌های ما در نظام رسمی درسی که آموزش اعتقادت می‌دهیم و استدلال‌های بر معتقدات را بیان اما آن نظام باور و اقناع فکری و پذیرش قلبی و ایجاد التزام درونی را ظاهراً در اهداف تربیت اعتقادی نمی‌بینیم درحالی‌که فصل مقوم تربیت عاطفی شکل‌دهی به نظام باور و اقناع فکری است پذیرش قلبی **﴿وَ جَحَدُوا بِها وَ اسْتَيْقَنَتْها﴾**[[2]](#footnote-2) به یقین رسیدن یک چیز است جهد و انکار نکردن و پذیرفتن یک چیز دیگر است.

تربیت اعتقادی باید شناخت و عقل را قانع بکند و قلب را خاشع بکند و همراه بکند و اعضا و جوارح را التزام اجمالی در آن ایجاد بکند تربیت اعتقادی را فقط انتقال معلومات نبینیم.

# اهمیت و جایگاه تربیت اعتقادی

سنگ بنای دین‌داری تربیت اعتقادی است «**أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ»**[[3]](#footnote-3) اول تحقق دین‌داری معرفت خدای متعال است اول هر پله و پرده و مرحله عمق پیدا کردن و معرفت به آن مرحله است.

از طرفی ساحت‌های دین‌داری را ما تربیت اعتقادی و عبادی و اخلاقی بدانیم پیش‌نیاز و پایه تربیت عبادی و اخلاق، تربیت اعتقادی هست، تا خدا را نشناسیم و باور نکنیم و به او‌ایمان نداشته باشیم، قصد تقرب که فصل مقوم تربیت عبادی است اصلاً متمشی نمی‌شود از آن‌ها، و همین‌جور تربیت اخلاقی تا باور به معتقدات دینی، معاد نداشته باشیم پشتوانه التزامات اخلاقی اصلاً پدیدار نمی‌شود.

# ادله و وظایف

وقتی ادله را در تربیت اعتقادی و آیات و روایات را دنبال می‌کنیم این تحلیل محتوایی انجام می‌دهیم با دو محور؛

از ادله‌ای که وظایف ما خانواده و والدین در تربیت اعتقادی مشخص کرده‌اند، ادله را بر اساس نوع وظیفه دسته‌بندی می‌کنیم و ادله بر اساس زمان موظفی ما تنظیم می‌کنیم به این دسته وظایف رهنمون می‌شویم.

وظایف تلقینی، وظایف تألیفی، وظایف تعلیمی در عقیده آموزی داریم. چیزی که شدیداً بمباران دانشی و اطلاعاتی می‌کنند که این را از دست ما بگیرند. منازعات علمی در فضای خودش در عرصه تربیت دینی به این سمت ‌می‌روند که حق ندارید که متربی را تنقین بکنید اعتقاد باوری را.

وقتی ما دین را، دین حق پذیرفتیم در قبال سعادت و شقاوت متربی خودم، من مکلف هستم باید معتقدات حقی را که پذیرفته‌ام باید تلقین بکنم.

این تلقین را از ابتدا با اذان و اقامه که در گوش کودک می‌گویید فضای معنوی که در دوران حمل، قاری قران که افتخار کشور ما شد این فضیلت حفظ قران را و این توانمندی را پدر و مادر ایشان می‌گفتند که در دوران حمل مکرر صوت قران در محیط خانه بود و صدای قران برای ایشان مأنوس بود و همین زمینه را برای توفیقات بعدی ایشان فراهم کرده بود.

اقدامات تألیفی، اینکه ما نسبت به معتقدات و شخصیت‌های دینی که تمثال و نماد‌های آن باور‌ها و اعتقادات دینی ما هستند عادی‌سازی کنیم و زمینه پذیرش و زمینه انس و الفت در متربی نسبت به آن‌ها ایجاد بکنیم.

این اقدام بعدی است داستان‌ها انبیاء و اولیاء الهی، رفتن به زیارت و لمس زندگی اسطوره‌های دینی و شخصیت‌ها و نماد‌های دینی، این‌ها اقدامات تألیفی هست که از ما خواسته شده است. تربیت دینی همه‌اش دانشی نبینید و البته روش‌های تعلیمی انتقال دانش و معلومات که زمانی این کار را باید انجام داد که متربی ما به آن نضج علمی و بلوغ شناختی رسیده است.

وظایف تلقینی نهایتاً تا سه سالگی، بلکه قبل از آن دوره حمل، ابتدای تولد، نوزاد با اذان باید پا به عرصه دنیا بگذارد. بعضی اشتباه می‌کنند این اذان را یک ادبی که مربوط به مرحله نام‌گذاری هست، روز دهم یا دیرتر این کار را انجام می‌دهند؛ اذان را بدو تولد هست، من در بیمارستان رفته بودم برای سرکشی، وقتی به کارمندان آن بخش می‌گفتم شما وقتی بچه به دنیا می‌آید اذان می‌گویید، گفتند الان مگر باید اذان بگوییم؟ اذان از بدو تولد است.

اقدامات تألیفی از موقعی که خوب و بد، و حس عواطف و احساسات را بچه پیدا می‌کند اقدامات تألیفی را گره خوردن قلب و دل متربی با اسطوره‌ها و نماد‌های دینی شروع می‌شود

روش تعلیمی که در عنوان بلوغ و در مرحله‌ای هست که گفته شد، نوجوان دنبال بازسازی و هویت‌سازی خود و مستقل از اطرافیان را تلاش می‌کند به آن دست پیدا بکند.

این از برنامه عقیده آموزی که بر اساس تحلیل روایات هست

تمام این‌ها را خانواده متکفل آن‌ها هست، مدرسه و مسجد و کانون‌های دیگر باید به کمک خانواده بیایند در تحقق این اهداف و به انجام رساندن این وظایف.

# خط سیر تربیت

در تصویر اگر بخواهم نمایش بدهم خانواده در راستای تربیت اعتقادی متربی این خط سیر را باید دنبال بکند از تلقین، تألیف و تعلیم باید استفاده بکند تا به اهداف اعتقادی برسد.

جمع‌بندی‌های مربوط به تربیت اعتقادی

که از تحلیل ادله و آیات و روایات به دست می‌آید موکول به مطالعه شخصی می‌کنم و از این‌ها می‌گذرم.

ساحت تربیتی دینی اخیر

ساحت تربیتی اخلاقی را وقت نمی‌شود و وارد آن نشدم.

ساحت تربیت مناسکی

ساحت تربیت عبادی که ساحت تربیت مناسکی تعبیر دقیق‌تر آن باشد اینکه ما متربی‌مان را متأدب که مناسک دینی، انجام و التزام به مناسک، رفتار‌های عبادی، منسک یعنی رفتار عبادی، تربیت مناسکی این خواهد بود که متربی اهل رعایت و انجام مناسک دینی بشود.

از بین تمام مناسک و دستورات دین مهم‌ترین نماز هست و متمرکز بر این دستور بحث را دنبال می‌کنم

در مورد این وظیفه خاص تربیتی ما آیه انحصاری مربوط به محیط خانواده داریم، سوره طه، آیه 32، **﴿وَ أْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْها لا نَسْئَلُكَ رِزْقاً نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَ الْعاقِبَةُ لِلتَّقْوى‏﴾**[[4]](#footnote-4) ساحتهای تربیتی دیگر مهم بود خانواده وظایف خیلی بارز و مشخص در آن داشت ولی به این صراحت و به این وضوح، اینجا ببینید آیه در مورد یکی از وظایف خاص، که محدود به این آیه شریفه نیست، آیات دیگر هم در این موضوع داریم اما بارزترین این آیه است که حکایت از اهمیت این وظیفه تربیتی دارد.

**﴿وَ أْمُرْ أَهْلَكَ﴾** با ماده امر و صیغه امر که در صیغه امر رفته است. «أَمَرَ» دلالت بر وجوب دارد این تکلیف مخصوص مخاطب آیه شریفه که پیامبر هست نیست چون مخصوص پیامبر بودن، دلیل می­خواهد خطابات قرانی ولو به پیامبر باشد مشترک بین ایشان و مؤمنین هست الا ما خرج بالدلیلٍ خاص که از اختصاصات نبی شمرده بشود مثل خطاب **﴿وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّد﴾**[[5]](#footnote-5) که نماز شب امر و واجب بودن آن با دلیل خاص بر پیامبر صادر شده است و برای دیگران این صیغه امر دلالت بر وجوب نمی‌کند رخصت در ترک دارند و مستحب هست برای آنها.

شمول امر به پدر و مادر، هر چند خطاب به پیامبر هست، ما اگر بخواهیم تسری بدهیم و تنقیح بکنیم مناط را یا الغاء خصوصیت بکنیم از پیامبر بکنیم ممکن است به ذکور و مردان این تعدی و سرایت داده می‌شود، نه اعم از پدر و مادر هست حیطه شمول این آیه شریفه، فقط امر در این آیه شریفه در قبال نماز از والدین خواسته نشده است، هر روشی که نمازخوان شدن بچه را نتیجه می‌دهد این آیه شریفه مدنظر هست. خطاب و دستور این آیه شریفه مشروط به تأثیر نیست، به این معنا که اگر مطمئناً و با یقین بسیار بالایی که شما باور دارید که تأثیر‌گذار نیست امر یا روش‌های تربیتی دیگری که به کار می‌گیرید، در آن صورت از شما ساقط هست و الا سیاق آیه و خطاب آیه به نحوی هست که مبذول داشتن نهایت وسع و تلاش برای تحقق این هدف، این آیه می‌رساند.

اهل در اینجا منظور خانواده هست و مسائل دیگر.

# ویژگی الگوپذیری و همانند‌سازی

این نکته را تأکید می‌کنم **﴿وَ اصْطَبِرْ عَلَيْها﴾** که برگشت می‌کنیم به مباحث ابتدای جلسه که کودک در مراحل رشد و شکل‌گیری شخصیتش یکی از ویژگی‌های مهم او الگو‌پذیری از رفتار اطرافیان است. بچه را در خانه می‌بینید وقتی در سجاده می‌نشینی و نماز می‌خوانی، او هم کنار شما و مثل شما... چون می‌خواهد از شما جلب توجه بکند و آن عکس‌العمل مثبت از شما بگیرد رفتار شما را تقلیدانه انجام می‌دهد همین ویژگی همانند‌سازی در کودک است. درصد الگو‌پذیری را بالا می‌برد ما مکلف شدیم که در خصوص نماز امر بکن، اما خودت اصطبر علی‌ها، خودت درباره نماز به صبر وادار، ملتزم باشد به نماز در محیط خانواده قاعدتاً آن آداب و شرایط نماز را در خانه و مسجد، ما فقط نماز واجب را ترغیب شده‌ایم که در مسجد و در ملأعام بخوانیم، نماز‌های مستحب و نوافل، بهتر است در خلوت نه در جلوت، در خانه خوانده بشود ولی در خانه مأمور به مخفی‌کاری نیستید در خانه باید یک جایی شبیه محراب برای خود تعبیه بکنید سجاده، مهر و شرایط لازم برای اقامه نماز، که نماز به صورت واضح به چشم بیاید. **﴿وَ أْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْها﴾** اصطبر علی‌ها می‌گوید شما از آن ویژگی الگو‌پذیر و همانند‌سازی کودکان در خانواده باید استفاده بکنید علاوه بر امر، و از این ویژگی استفاده بکنید و آن‌ها را به نماز وادار بکنید.

جمع‌بندی نهایی را موکول به مطالعه شخصی شما می‌کنم

# جدول وظایف تمهیدی

روایات را بخواهیم تحلیل بکنیم و برنامه نماز آموزی را از روایات بخواهیم استخراج بکنیم با دو محور اینکه چه وظیفه و چه کاری در روایات و ادله شرعی از ما خواسته شده است و این کار و وظیفه در چه زمانی از ما خواسته شده است.

جدول وظایف تمهیدی از ما خواسته شده است، وظیفه تعلیم نماز، وظیفه امر به نماز، وظیفه مؤاخذه بر نماز، وظیفه تنبیه بر ترک نماز، از ما خواسته شده است.

وظایف تمهیدی تا شش سالگی، وظیفه تعلیم نماز در هفت سالگی که به بچه بگویید و رو به قبله کنید او را و بگویید وضو بگیرد و این رفتار را به او یاد بدهید که اعضا و جوارح را بتواند انجام بدهد بعد از اینکه رفتار نمازخواندن را یاد گرفت، تعلیم نماز شد ما موظف به امر به نماز هستیم در سن هشت سالگی، اهل‌بیت می‌فرمایند ما بچه‌هایمان را زودتر امر به نماز می‌کنیم، شما در این سن امر به نماز بکنید.

در روایاتی در پیش از ده سالگی وظیفه مؤاخذه بر نماز را.... البته تفاوت‌های جنسیتی در اینجا من به جمع‌بندی درستی نرسیدم از بررسی روایات با توجه به این که سن بلوغ دختر از ۹ سالگی هست، وظیفه مؤاخذه‌اش از چه زمانی هست، وظیفه تنبیه که وظیفه مثبت اخیر از روایات نماز آموزی هست از چه زمانی هست قاعدتاً متفاوت می‌شود.

اینجا هم می‌بینید سیر تحول در اقدامات نماز آموزی به فرزندان از وظایف تمهیدی، تعلیمی، امر، مؤاخذه تا تنبیه بر ترک نماز، اشتداد پیدا می‌کند. وظایف ما در تربیت عبادی فرزندان و نماز آموزی.

تا اینجا مرور گذرا بر تربیت عبادی شد و جمع‌بندی را به مطالعه شما واگذار می‌کنم.

سؤال: سؤال درباره تلقین مطرح شده است

جواب: بله الان باب شده است می‌گویند که دین می‌گوید **﴿لا إِكْراهَ فِي الدِّين﴾**[[6]](#footnote-6)‏ جواب اجمالی می‌دهم و جواب نقضی را اول کسانی که به من و شما می‌گویند در تربیت دینی‌تان مقالاتی را کلاس مهارت ترجمه انگلیسی می‌گذراندیم و اتفاقاً مقاله‌ای را که یکی از دوستان انتخاب کرده بود مقاله تربیت اعتقادی بود از منابع انگلیسی زبان، تعابیری که به کار برده بودند این بود روش وحشیانه و ناجوانمردانه تلقین در تربیت دینی، روش ناجوانمردانه در تربیت دینی، به ما می‌گویند که تلقین کردن نامردی است و موعظه کردن خیلی بی‌انصافی است اما خودشان که نحله‌های انحرافی خودشان که پای تربیتشان باز می‌شود می‌بینیم سخت‌ترین تازیانه‌های سلوک را به تن مریدان می‌زنند، دگم‌ترین را به متربی‌هایشان دارند، سخت‌ترین مناسک را از آن‌ها می‌خواهند، ولی به ما می‌گویند شما کمی اُپن باشید، ریلکس باشید، دینتان گفته است **﴿لا إِكْراهَ فِي الدِّين‏﴾** اما اینکه دین گفته است **﴿لا إِكْراهَ﴾** لا اکراه در اصل دین، وقتی وارد دین شدید دیگر جای بازی نیست اینجا اتفاقاً که وارد دین شدید باید طبق قواعد دین رفتار کنید.

من تمام زحمت نمازخواندن را متحمل و متقبل می­شوم، دیده بودم دستم خونی است و موقع نماز یادم رفته است بعد از نماز یادم می­آید اینجا **﴿لا إِكْراهَ فِي الدِّين﴾**‏ نیست چون علم قبلی داشتم و الان بعد از نماز متوجه شدم باید برگردم و نماز را دوباره اعاده کنم.

اما وارد حوزه دین که شدید اکراه داریم، یک جایی الزام داریم، مؤاخذه داریم، تنبیه داریم حتی تنبیه بر ترک نماز و امثال این‌ها.

حدود و تعزیرات دینی که مثال بارزتر برای مثال برای جواب به این سؤال‌هاست.

ما را با این حربه و شعار می‌خواهند خلع سلاح بکنند ولی خودشان در تربیت نحله‌های خودساخته خودشان دقیقاً این روش‌ها را به کار می‌گیرند.

سؤال: اینکه کسی ادعا بکند که والدین من مسلمان هستند من چرا مسلمان باشم.

جواب: آنجا می‌خواهد مستمسک بالاکراه بشود و وارد دین نشود و البته کسی که خربزه می‌خورد باید پای لرزش بایستد اگر مسلمان بوده است و این ادعا را می‌کند مرتد می‌شود و ارتداد بحث‌های خودش را دارد.

سؤال: کسانی که در مقاطع پایین‌تر در فقه تربیتی می‌خواهند کار کنند وقتی با ادله مواجه می‌شوند بررسی سندی و دلالی را تا چه اندازه می‌توانند انجام بدهند؟

جواب: بحث‌های استنباط و مدون شده، استدلال‌های مبسوط در فقه تربیتی زیاد نیست چون رشته مضاف و جدیدی هست و نوپا هست ما حدود بیست و چند جلد از کتاب‌های حضرت آیت‌الله اعرافی در ساحت‌های مختلف چاپ شده است و آماده چاپ هست، خیلی بیشتر از این‌ها سؤالاتی هست که جواب استدلالی فقهی نگرفته‌اند و هنوز ادله و مستندات آن‌ها مفصلاً مورد بحث قرار نگرفته‌اند ادبیات دانش خیلی غنی نیست به ادله عامه‌ای که آنجا مطرح شده است می‌شود استناد کرد و ادله خاصه را خودتان باید در مورد سؤال خاصی که مطرح می‌کنید پیدا بکنید دلالت‌یابی بکنید اگر یک روایت هست، بحث سندی آن را حل بکنید و به نتیجه برسید. مسیر این راه، مسیر نرفته و سنگلاخ هست و به سختی باید مسیر را طی کرد.

سؤال: واژه تربیت در قران نیست؟

جواب: البته **﴿رَبِّ ارْحَمْهُما كَما رَبَّياني‏ صَغيراً﴾**[[7]](#footnote-7) هست اما مدخل قرانی و روایی برای بحث تربیت این اصطلاح جدید است یعنی تحول معنایی پیدا می‌کند آن مدخل روایی‌اش واژه تأدیب هست. ما خیلی بحث‌های دیگر را تحول معنایی در اصطلاحات و واژگان می‌بینیم اینکه واژه تربیت را در قران نمی‌بینید معنایش این نیست که قران دعوت به تربیت نمی‌کند.

البته یک نکته‌ای را دقت بکنید کنار این سؤالی که مطرح شده است باید به آن توجه بشود در منطق و عرف دین بیشتر از اینکه درباره تربیت بحث شده باشد از خودسازی بحث هست، چون راه رسیدن به آن اهداف که ما اسم تربیت به آن گذاشته‌ایم، خواه، ناخواه در تعاملات انسانی ما از خودسازی می‌گذارد. ما باید الگوی درست رفتاری جلو بچه‌ها باشیم تا آن‌ها مناسک دینی را بیاموزند ما باید اهل عواطف درست و نزج و بلوغ عاطفی باشیم که بتوانیم آن‌ها را اهل عاطفه‌ورزی و تربیت درست عاطفی بار بیاوریم و بحث اعتقادی هم که واضح هست.

سؤال: وقتی من باورمند نباشم نمی‌توانم کسی را باورمند کنم، ممکن است کسانی که یک مقدار تربیت را کم‌رنگ بکنند اگر با کسانی هستند که اهل برداشت‌های مثبت هستند در آیات و روایات ممکن است منظور این باشد که بیشتر از این که تربیت مورد تأکید اسلام باشد خودسازی مورد تأکید اسلام هست.

بله این هست و قابل انکار نیست اما نباید انکار بشود و گفت که دین خودسازی را خواسته و از تربیت حرفی نزده است، در دین تربیت و سیاست و جامعه‌سازی و.. داریم.

مباحثی که تقدیم شد ابتدای جلسه روز گذشته سؤالمان را از تعیین حد و مرز بین نهاد‌های تربیتی شروع کردیم. درباره نماز چون وظیفه بسیار مهم و چندلایه‌ای و پیچیده‌ای هست، یک مقدار وارد بحث عوامل و محیط‌های تربیتی دیگر هم بشود.

نماز آموزی یعنی فرایند یاری‌رسانی به متربی که اینجا منظور فرزند است برای تغییر تدریجی در یکی از ساحت‌های بدنی، روحی و ذهنی به واسطه عامل انسانی به منظور صدور رفتار نمازخواندن در وی هست.

این که در جای خود که یک مقدار دقت و نظر به کار می‌برند برای مباحث تربیتی، این تعریف به کار می‌آید.

# فرایند نمازخوان شدن متربی

فرایند نمازخوان شدن متربی از چه مراحلی می‌گذرد؟ ما اقدامات تربیتی را با اعطای بینش شروع می‌کنیم و با انگیزه‌بخشی و رفتار‌سازی.

رفتار و منسک نمازخواندن باید بینش در آن باشد اعطای بینش در آن باشد انگیزه‌سازی مخاطب انجام بشود و رفتار‌سازی به شرح ایضاً اما سهم اعطای بینش در بروز و صدور رفتار عبادی از متربی متفاوت از سهم انگیزه‌سازی و آن هم متفاوت از رفتار‌سازی است، شاید بتوان این‌گونه قضاوت کرد که نمازخوان بودن متربی بیش از همه منوط به‌کارگیری آن روش‌های رفتارسازی است روش‌های نهادینه کردن رفتار در متربی است مثل فریضه‌سازی مثل الگوسازی، مثل تمهید شرایط بروز رفتار و...

در درجه بعد انگیزه‌سازی که این رفتار در وجود او پایدار بماند و اقناع فکری و عقلی نسبت به آن رفتاری که ما توقع داریم یعنی نماز آموزی، شاید تلقی یک جایی متفاوت باشد می‌بینید در برنامه تربیت دینی جور دیگر رفتار می‌کنند و متأسفانه ره به بیراهه می‌رود.

وقتی سیر اقدامات در نماز آموزی را ملاحظه کردید؛ آموزش رفتاری و عملی نماز یکی از مراحل بود و مراحل بعدی سنخ انگیزشی و سنخ رفتارسازی بود.

حالا که نماز آموزی هر سه نوع اقدام را نیاز دارد، وقتی تحقق این هدف نمازخوانی را به نحو کلی مورد مطالعه قرار می‌دهیم می‌بینیم که والدین کودک نسبت به او وظیفه دارند، معلم در محیط رسمی تعلیم و تربیت نسبت به او وظیفه دارند و حاکمیت، متولیان امر و برنامه ریزان نسبت به او وظیفه دارند.

زمان برنامه‌ها، رسیدگی‌ها، پاسخگویی‌ها، حرکت‌ها و مکان فراهم کردن‌ها، تمام این اقدامات اجتماعی باید به سمتی باشد که منافی با اقامه صلاة نباشد

درست است که وظیفه اصلی به عهده خانواده است طبق شرع از جمله نماز، اما معنایش‌شانه خالی کردن نهاد‌ها و عوامل دیگر تربیتی نبود. و آن‌ها مکلف و موظف هستند.

بحث را با این دعای امام سجاد علیه‌السلام خاتمه می‌دهم. «**اللَّهُمَّ وَ مُنَّ عَلَيَّ بِبَقَاءِ وُلْدِي وَ بِإِصْلَاحِهِمْ لِي و بِإِمْتَاعِي بِهِمْ إِلَهِي امْدُدْ لِي فِي أَعْمَارِهِمْ، وَ زِدْ لِي فِي آجَالِهِمْ، وَ رَبِّ لِي صَغِيرَهُمْ، وَ قَوِّ لِي ضَعِيفَهُمْ، وَ أَصِحَّ لِي أَبْدَانَهُمْ وَ أَدْيَانَهُمْ وَ أَخْلَاقَهُمْ، وَ عَافِهِمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَ فِي جَوَارِحِهِمْ وَ فِي كُلِّ مَا عُنِيتُ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ، وَ أَدْرِرْ لِي وَ عَلَى يَدِي أَرْزَاقَهُمْ وَ اجْعَلْهُمْ أَبْرَاراً أَتْقِيَاءَ بُصَرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ، وَ لِأَوْلِيَائِكَ مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ، وَ لِجَمِيعِ أَعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَ مُبْغِضِينَ، آمِينَ**»[[8]](#footnote-8)

جایگاه تربیت اخلاقی را امام سجاد علیه‌السلام بعد از صحت جسم، بعد از صحت دین، این را می­شود إذا اجتمعا افترقا، دین‌داری می‌ماند اعتقادات و مناسک، اخلاق را امام سجاد علیه‌السلام آن خواسته اخیر دانستند که انگار یک شأن منحاز و متفاوتی از تربیت اعتقادی و عبادی دارد.

از خدای متعال مسئلت می­کنیم که از الخاسرین، **﴿الَّذينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْليهِم﴾**‏[[9]](#footnote-9) نباشیم و اهتمام لازم در رسیدگی به خانواده و فرزندانمان انجام بدهیم.

1. - صحیفه سجادیه [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره نمل، آیه 14 [↑](#footnote-ref-2)
3. - نهج البلاغه [↑](#footnote-ref-3)
4. - سوره طه، آیه 132 [↑](#footnote-ref-4)
5. - سوره اسراء، آیه 79 [↑](#footnote-ref-5)
6. - سوره بقره، آیه 256 [↑](#footnote-ref-6)
7. - سوره اسراء، آیه 24 [↑](#footnote-ref-7)
8. - صحیفه سجادیه [↑](#footnote-ref-8)
9. - سوره زمر، آیه 15 [↑](#footnote-ref-9)